

اوپک و جهانی شدن اقتصاد

مرتضی بهروزی فر
کارشناس ارشد اقتصاد انرژی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

(گسترش استفاده از تقویم جهانی، استعمارستیزی و حتی به کارگیری گسترده زبان انگلیسی).

"تخریب شدن" یا "مردن شدن": جهانی شدن ساختارهای اجتماعی مدرن زیستی (سرمایه‌داری، عقل‌گرایی، صنعت‌گرایی، دیوان‌سالاری و غیره) در سراسر جهان که در این برداشت این اعتقاد وجود دارد که به طور طبیعی فرهنگ‌های موجود طی این فرآیند نابود می‌شوند (حاکمیت مک دونالد و سی.ان.ان).

با توجه به نگرش‌های متفاوت به مقوله جهانی شدن، تعاریف متعددی نیز از آن ارائه شده است، به عنوان مثال، طبق تعریف شولته، "جهانی شدن فرآیندی است اجتماعی که با از میان برداشتن مرزهای جغرافیایی، بر تمامی روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سایه افکننده و آگاهی افراد را به طور فزاینده از کاهش این قیدها افزایش می‌دهد" و یا طبق تعریف صندوق بین‌المللی پول، "جهانی شدن اقتصاد، به

برداشت‌های مختلف از جهانی شدن

حداقل چهار جنبه و یا تلقی از جهانی شدن را می‌توان از یکدیگر تمیز داد که عملاً با یکدیگر مرتبط بوده و در بسیاری از موارد همپوشانی دارند اما در ظاهر متفاوت هستند:

بین‌المللی شدن: افزایش روابط فرامرزی بین کشورها و رشد مبادلات بین‌المللی و وابستگی هر چه بیشتر (نقل و انتقالات یا مهاجرت عظیم افراد، گسترش عقاید و رشد مبادلات بین‌المللی).

آزاد سازی: فرآیند لغو محدودیت‌ها و موانع وضع شده از سوی دولت‌ها بر نقل و انتقالات بین‌المللی، به منظور ایجاد یک اقتصاد جهانی "باز" و "ناقد مرز" (کاهش یا لغو کامل موانع تجاری، محدودیت انتقال ارز خارجی و کنترل سرمایه).

فراگیر شدن و جهانگرایی: "ستیز جهانی فرهنگ‌ها" در قالب یک "بشریت جهانی"

بیش از چهل سال پیش، در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰، با حضور نمایندگان دولت‌های ایران، ونزوئلا، کویت، عربستان و عراق در بغداد اجلاس تشکیل و پایه سازمانی گذاشته شد که از بدو تأسیس به عنوان یک سازمان بین‌المللی متعلق به کشورهای در حال توسعه، شناخته شد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در این مدت، ماجراها و حوادث گوناگونی را تجربه کرده است (ادوار مختلف همکاری و مقابله با شرکت‌های نفتی بین‌المللی، جنگ اعراب و اسرائیل، درگیری نظامی میان اعضا، کودتا و انقلاب‌ها).

طی این چهار دهه، شرایط اقتصادی و سیاسی جهان دچار چنان تغییرات شگرفی شده که جهان امروز با دهه‌های گذشته، غیرقابل مقایسه است. به عنوان مثال می‌توان از تحولاتی مانند ایجاد نظام تک قطبی تا ایجاد انحصارات جدید ناشی از ادغام شرکت‌های بزرگی چون BP و آموکو و در نهایت جهت‌گیری اقتصاد به سمت جهانی شدن نام برد.

طی این مدت، با توسعه روزافزون و فزاینده علوم و تکنولوژی، تعاریف جدیدی از ارتباطات بین‌المللی ارائه شده و مساله دهکده جهانی مک‌لوهان و جهانی شدن اقتصاد مطرح شده است. جهانی شدن اقتصاد، تأثیرات شگرفی بر بازارهای جهانی، روابط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و گروه‌بندی‌ها و بلوک‌بندی‌های جهانی بر جای گذاشته که سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) نیز از این تحولات مصون نمانده و لازم است با رویکردی جهانی به مسایل پیرامون خود توجه کند.

اوپک سه دهه نخست موجودیت خود را در شرایط نظام دو قطبی سپری و در دهه چهارم، وضعیت فروپاشی این نظام را تجربه کرد. این سازمان اینک پنجمین دهه حیات خود را با ورود به سده ۲۱ و هزاره سوم، در شرایطی که وضعیت بین‌المللی با مفهوم جهانی شدن تعریف و تئوریزه می‌شود، آغاز می‌کند.



افزایش وابستگی‌های اقتصادی متقابل کشورها در سطح دنیا از طریق گسترش تعداد و تنوع معاملات بین‌مرزی کالاها و خدمات و جریانات سرمایه بین‌المللی و همچنین گسترش سریع و وسیع تکنولوژی اطلاق می‌شود. پیشرفت‌های تکنولوژی به طور قابل ملاحظه‌ای هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهند و همزمان منجر به تغییرات ساختار تجارت بین‌المللی می‌شوند و نیز با ایجاد تلاش‌های جهانی در زمینه آزادسازی‌های تجاری، رشد تجارت جهانی را تسریع می‌کنند.

در کل جهانی شدن را می‌توان "تعامل فزاینده بین جوامع انسانی مختلف و همبستگی بیشتر آنها در تمامی ابعاد مهم فعالیت‌هایشان (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی)" تعریف کرد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، جهانی شدن موضوع تازه‌ای نیست و از قرن‌ها پیش در حال وقوع بوده و به عنوان یک پروژه از پیش طراحی شده نیست، بلکه یک فرآیند و عملیات در حال انجام و تکمیل است که تقریباً هیچ کس نمی‌داند که عاقبت آن چه خواهد شد، بلکه اتفاقات و حوادثی به توالی هم رخ داده و یا در حال رخ دادن هستند که نتیجه آن به صورت جهانی شدن مشاهده می‌شود.

عوامل جهانی شدن

عوامل مختلفی را برای شکل‌گیری و گسترش جهانی شدن بر می‌شمارند که عبارتند از: **گسترش خودگرایی**: با به کارگیری ابزارهای فنی و علمی، نیروهای طبیعی برای نیل به مقاصد انسانی در اختیار گرفته می‌شوند و تکنولوژی از طریق تفکر علمی پیشرفت می‌کند.

توسعه سرمایه‌داری: مارکسیسم موتور جهانی شدن را سرمایه‌داری می‌داند. فرصت‌های جدید از طریق تکنولوژی و وبسایت‌ها ایجاد می‌شوند و هزینه‌های شرکت‌های معظم جهانی به دلیل چنین انباشت بالایی کاهش می‌یابد.

نوآوری‌های تکنولوژیکی: نوآوری بخصوص در زمینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و پردازش داده‌ها از عوامل جهانی شدن به شمار می‌روند.

چارچوب‌های قانونی: مقررات و استانداردها و قوانین دولتی و نهادهای غیردولتی، کپی‌رایت‌ها، آزادسازی‌ها و رفع موانع تجاری توسط اتحادیه‌های تجاری و بازار مشترک، معیارهای انضباطی جهانی شدن محسوب می‌شوند.

برخی معتقدند جهانی شدن بحث جدیدی نیست و در مباحث علوم اجتماعی و سیاسی و

اقتصادی دارای سابقه است. بطور نمونه در آثار مارکس، دورکیم، ویر و نظریات عصر صنعتی شدن، شاهد مباحثی پیرامون جهانی شدن هستیم. بعنوان مثال، برخی بحث روابط تولید در نظریه مارکسیسم و تحقق یافتن آن در سطح جهان را نمونه‌ای از نظریات جهانی شدن توصیف می‌کنند. اما دقیق‌تر از همه، نظریه سیستم جهانی سرمایه‌داری یا نظریه والراشتاین است که ابراز کرده جهانی شده از قرن ۱۶ میلادی به صورت آغاز روند تولید سرمایه‌داری و تسلط نظام سرمایه‌داری بر جهان آغاز شده است.

عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شاهد پدیده‌ای است که در سطح جهان در حال فراگیر شدن است. بطور نمونه در عرصه اقتصادی شاهد نفوذ اقتصاد بازار هستیم. در عرصه سیاسی نیز برخی معتقدند جهانی شدن به شکل گسترش فرهنگ جامعه مدنی در دنیا بخصوص فرهنگ دموکراسی و لیبرال دموکراسی و ایجاد نظامی جهان شمول در حال وقوع است. در سطح فرهنگی نیز شاهد نوعی یکسان‌سازی یا گسترش و جهان‌شمولی فرهنگ و ارزش‌های خاص هستیم. البته در عرصه فرهنگی به نظر می‌رسد شاهد نوعی تقابل نیز باشیم، یعنی با گسترش فرهنگ، هنر و اندیشه غربی در سطح جهانی و برقراری نوعی یکسانی، نوعی پلورالیسم نیز به چشم می‌خورد، یعنی جهانی شدن تناقضی با ایجاد پلورالیسم فرهنگی در جهان ندارد.

در مجموع، فرآیند جهانی شدن باعث تضعیف دولت می‌شود، زیرا مسایل اقتصادی نظیر خصوصی‌سازی و مسایل فرهنگی نظیر ارتباطات، اینترنت و ماهواره‌ها تا اندازه‌ای از کنترل دولت‌ها خارج می‌شود و هر چه نقش دولت بعنوان بازیگر اصلی تضعیف شود، سایر بازیگران مانند گروه‌های قومی، گروه‌های مدنی، احزاب و شرکت‌های چند ملیتی، بیشتر وارد عرصه می‌شوند. اما این بحث تازگی ندارد و از گذشته مطرح بوده است.

مثلاً نظریه آرمانی دولت جهانی در نظرات برخی فیلسوفان قرون ۱۸ و ۱۹ نیز مطرح بوده و اعتقاد داشته‌اند که دولت سرانجام از بین خواهد رفت. در عرصه‌های دیگر نیز بحث از بین رفتن دولت مطرح است که نظریه مارکسیسم از همه آنها قوی‌تر است.

عرصه‌های جهانی شدن

برخی فعالیت‌های جهانی، موجب تسریع

روند جهانی شدن می‌شوند، به عنوان مثال: **ارتباطات**: در حدود ۱/۵ میلیارد مسافر در سال ۱۹۹۸ از طریق خطوط هوایی منتقل شده‌اند. تعداد ۹۰۰ میلیون خط تلفن در دنیا توانسته‌اند ۱۸۰ میلیون کاربر اینترنت را در سال ۱۹۹۹ به یکدیگر وصل کنند. در حدود ۲ میلیارد رادیو و ۱/۱ میلیارد تلویزیون توانسته‌اند در بین رسانه‌های جمعی الکترونیکی مقام اول را به دست آورند.

قائمین مالی: بازارهای سرمایه و ارز جهانی توانسته‌اند مقادیر زیادی از سپرده‌های جهانی، وام‌ها و بدهی جهانی را در حساب‌های خود منظور کنند. بانکداری جهانی از طریق حساب‌های دیجیتالی توانسته است از تنگنای بعد مکان‌رهایی یابد و اوراق قرضه جهانی مانند "یورو باند" نیز توانسته‌اند کسری بودجه دولت‌ها را از مرز کشورها فراتر ببرند.

بازارها: هزاران محصول جهانی شناخته شده‌اند تولیدکنندگان جهانی چنین محصولاتی نیاز به استراتژی‌های جهانی فروش دارند تا بتوانند آنها را به فروش برسانند.

پول: ارزهای جهانی مانند دلار آمریکا، ین ژاپن و یورو توانسته‌اند در اقصی نقاط جهان گسترده شده و مورد استفاده قرار گیرند. کارت‌های بانکی توسط سیستم خودپرداز (ATM) توانسته‌اند اعتبارات جهانی را گسترش داده و کیف‌های دیجیتالی را مملو از پول‌های دیجیتالی سازند.

سازمان‌ها: مؤسسات جهانی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد و اوپک در تلاشند تا همکاری بین کشورهای عضو خود را هر چه بیشتر گسترش دهند. این همکاری‌ها در بسیاری از موارد به یکسان‌سازی قوانین در زمینه‌های تجاری، سیاست‌گذاری دولت‌ها و شیوه اداره کشورها منجر شده‌اند.

مسایل اکولوژیکی: فعالیت‌های جهانی موجب تغییرات در اتمسفر شده‌اند که خود این تغییرات نیز عامل پیدایش دگرگونی‌های گسترده در آب و هوای مناطق مختلف جهان از جمله تخریب لایه ازن، پراکندگی غبار رادیواکتیو و بارش باران‌های اسیدی هستند.

مراحل جهانی شدن

هر یک از اندیشمندان با توجه به تلفی و تعریف خود از جهانی شدن، مراحل را برای روند شکل‌گیری و توسعه جهانی شدن برمی‌شمارند. به عنوان مثال رابرتسون پنج

مرحله یا دوره زمانی را برای جهانی شدن مطرح می‌کند که عبارتند از:

الف) مرحله بدوی یا اولیه: این مرحله در اروپا و طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۵۰ رخ داده است. تجزیه کلیسا و ظهور جوامع دولت مدار، چاپ اولین نقشه جهان و بروز استعمار از مشخصه‌های این مرحله هستند.

ب) مرحله نخستین: بروز مسایل شهروندی و صدور گذرنامه، برپایی نمایشگاه‌های بین‌المللی و انعقاد پیمان نامه‌های حقوقی بین‌المللی در سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۷۵، حاکی از پیدایش اولین نشانه‌های جهانی شدن هستند.

ج) مرحله جهش: در این مرحله چاپ اولین تقویم جهانی، بروز اولین جنگ جهانی و شروع مهاجرت‌ها در مقیاس وسیع، موجب گسترش پدیده جهانی شدن در سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵ شد.

د) مرحله سلطه گرایی: بروز جنگ دوم جهانی، تشکیل سازمان ملل متحد، مطرح شدن جنایت‌های جنگی و مبارزه با تهدیدهای اتمی و سپس پیدایش کشورهای جهان سوم، سرعت بیشتری به روند جهانی شدن بخشیدند. این مرحله بین سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۹ رخ داده است.

ه) مرحله عدم قطعیت: از سال ۱۹۶۹ به بعد، کشفیات فضایی، مسایل محیط‌زیست و فعالیت‌های رسانه‌های گروهی جمعی، موجب شدند تا ساکنان سیاره زمین اعتماد کمتری نسبت به مسیری که طی می‌کنند داشته باشند و تنها تا حدودی از آینده زیست محیطی آن اطمینان حاصل کنند.

در مقابل شولته سه مرحله را برای بروز پدیده جهانی شدن مطرح می‌کند:

الف) ظهور تصور جهانی (تا قرن هجدهم): تفکر جهانی شدن در بین زرتشتیان و بودائیسیم در قرن پنجم و ششم قبل از میلاد در بین مسلمانان در قرن هفتم پس از میلاد، مطرح شدن حقوق بین‌الملل در قرن شانزدهم، بحث کندرسه از اتحاد اجتماعی جهانی در قرن هجدهم و حتی گسترش تجارت قهوه بین قاره‌های جهان، موجب بروز تصویری در خصوص جهانی شدن فعالیت‌ها شد.

ب) جهانی شدن مقدماتی (۱۹۵۰-۱۸۵۰): گسترش ارتباطات و تکنولوژی، بازارهای جهانی و محصولات جهانی، پیدایش نظام‌های پولی بین‌الملل و فعالیت‌های جهانی، اولین نشانه‌های تسریع جهانی شدن هستند.

امروزه جهانی شدن به ویژه در بعد اقتصادی آن به سرعت در حال تکامل است. این فرآیند با توجه به گستردگی و پیچیدگی ماهوی آن، الزامات بسیاری را به کشورها وارد ساخته است

تفکیک می‌کند:

● اولین ویژگی، مسأله چند وجهی بودن آن است.

● ویژگی دوم این است که جهانی شدن در این مقطع با شیوه‌ها و ابزارهای قهرآمیز وارد نمی‌شود بلکه این بار از طریق نفوذ مسالمت‌آمیز وارد خانه‌ها شده و مخاطب با طیب خاطر به استقبال آن می‌رود، به گفته الروس هالسکی، "در دوره تکنولوژی پیشرفته، بزرگترین خطر برای اندیشه، فرهنگ و روح انسان، آن است که دشمن خنده‌رو، جایگزین دشمن هراس‌آور و نفرت‌انگیز شود".

● ویژگی سوم، سرعت شتاب و فراگیری است. اگر در مرحله اول، کشور جهان گستر با اتکا به نیروی‌های نظامی خود در مدت زمان زیادی قلمرو خود را گسترش می‌داد، در مفهوم جدید این گونه نیست. با امکانات ارتباطی جدید، می‌توان روح و قلب مخاطبان را در مدت کوتاهی تسخیر کرد.

● ویژگی چهارم این است که بر خلاف گذشته (در مفهوم کلان) از الگوی رقیب خبری نیست. درکل می‌توان ابعاد مختلف جهانی شدن را به صورت ذیل تعریف کرد.

گردش آزاد سرمایه و کالا، رشد پرشتاب شرکت‌های چند ملیتی، در هم نوردیده شدن مرزهای ملی، رشد حجم بازارهای مالی جهان و بین‌المللی شدن بیش از پیش سرمایه و از دست دادن رنگ بومی و ملی کالاها و کاهش هزینه‌ها از جمله عواملی است که می‌توان در حوزه اقتصادی برای جهانی شدن برشمرد. در حال حاضر هزینه حمل و نقل، نسبت به گذشته بسیار کاهش یافته و خرید کالا با کیفیت بالاتر و قیمت کمتر در کل جهان امکان‌پذیر شده است.

از بعد سیاسی نیز فروپاشی شوروی، افول کمونیسم و مطرح شدن لیبرال دموکراسی به عنوان وجه غالب ایدئولوژی‌ها در جهان، بستر جهانی شدن را فراهم آورده است.

در زمینه فرهنگی نیز بروز شکاف‌ها و

ج) جهانی شدن در مقیاس وسیع (از دهه ۱۹۶۰ به بعد): در این مرحله به واسطه پیشرفت تکنولوژی، جهانی شدن شتاب بیشتری گرفته و کماکان نیز ادامه دارد.

با توجه به دیدگاه‌های مختلف و اجماع نظر اندیشمندان این حوزه، جهانی شدن پدیده جدیدی نیست، بلکه تاریخ آن به زمان نوگرایی و ظهور سرمایه‌داری و حتی قبل از آن باز می‌گردد. نوگرایی، جهانی شدن را تسریع کرده و در دوران اخیر موجب تشدید آگاهی‌ها شده است.

برخی متفکران، جهانی شدن را از نظر مصداقی در سه دوره بررسی می‌کنند. اول در مفهوم کهن، دوم در مفهوم مدرن و سوم در مفهوم پست مدرن.

به اعتقاد ایشان، با اولین امپراتوری‌هایی که به وجود آمدند، بحث جهانگرایی نیز مطرح شد. در امپراتوری‌های رم، چین، ایران و مصر، جهانی شدن مطرح بود که البته وجه غالب آن سیاسی و فتح سرزمینی بود.

مفهوم جدید جهانی شدن، محصول رشد نظام سرمایه‌داری است که از قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی تجلی یافت و در این وضعیت علاوه بر فتح سرزمینی، بعد اقتصادی نیز به آن افزوده شد یعنی به دنبال تولید انبوه در نظام سرمایه‌داری، نیاز به بازارهای فروش به وجود آمد که آن هم نیازمند دولتی بود که به لحاظ اقتصادی، این جهان‌گشایی را فراهم آورد. در این مرحله علاوه بر وجه سیاسی، وجه اقتصادی هم به آن افزوده می‌شود. البته در این مفهوم، فتح سرزمین مانند دوره قبل، یک اصل نبود.

جهانی شدن در مفهوم پست مدرن آن، محصول یکی دو دهه اخیر است. این بار جهانی شدن وجوه مختلفی دارد و تا زوایای زندگی انسان‌ها هم رسوخ می‌کند و اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ و حتی زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد.

جهانی شدن در مفهوم پست مدرن آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر مفاهیم

سرمایه‌گذاری خارجی باعث رشد اقتصادی نمی‌شود بلکه به دنبال رشد اقتصادی، سرمایه‌های خارجی از راه می‌رسند

خلاءهای فرهنگی، به ویژه خلاء پس از فروپاشی کمونیسم و نیاز انسان‌ها به مدل‌سازی و الگوبرداری در جهان به وسیله پارادایم‌هایی که قادر به تفسیر و تبیین جهان باشند، جهانی شدن را به مرحله‌ای برگشت‌ناپذیر رسانده است. اعتقاد بر این است که یک سری باورها، ارزش‌ها و هنجارها، جهانی شده و در قالب فرهنگ‌های محلی قرار می‌گیرند، در مقابل نیز فرهنگ‌های محلی امکان عرضه جهانی پیدا می‌کنند. پس فرهنگ‌ها یکسان نمی‌شوند، بلکه در دل جهانی شدن معنا و مفهوم جدید به خود می‌گیرند.

در کنار همه این موارد، مقابله با برخی از مسایل جهانی فراتر از توان یک دولت و یا ملت است. مثلاً بحث گرم شدن زمین و یا نازک شدن لایه ازن یا مبارزه با تروریسم و مواد مخدر، مختص یک کشور نیست بلکه به همه کشورها ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین باید یک تمهید جهانی برای حل این مشکلات جهانی وجود داشته باشد.

شایان توجه است که فرهنگ، سیاست و اقتصاد، سه بعد یک حقیقت هستند نه صرفاً سه موضوع مختلف در کنار یکدیگر و عدم توجه به هر یک، در نظر نگرفتن بعدی از واقعیت است.

پیامدهای جهانی شدن: فرصت‌ها و تهدیدها

جهانی شدن و تسببات حاصل از آن، دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدهایی برای ملت‌ها بویژه کشورهای در حال توسعه و بالاخص کشورهای عضو اوپک است که برخی از آنها عبارتند از:

● **انباشت سرمایه:** با استفاده از محصول گرایی، اطلاعات و رسانه‌های ارتباطی حاصل می‌شود. با تقسیم‌بندی سرمایه به سرمایه مصرفی، مالی و اطلاعاتی می‌توان انباشت مازاد را به وضوح مشاهده کرد.

● **تغییرات عمومی در شیوه حکومت دولت‌ها:** در این شرایط به اقتدار دولت‌ها پایان داده شده است، جنگ‌افزارها باز تعریف

حدودی همگرا و مشابه هم شوند تا شرایط یکسانی را برای همه کشورها فراهم سازند. این مهم به عهده سازمان تجارت جهانی گذاشته شده است.

● **یکپارچه شدن بازارها:** در نتیجه ادغام‌های انجام شده و گسترش تجارت الکترونیکی، با پدیده یکپارچه شدن بازارها مواجه هستیم.

● **ایجاد جوامع مجازی:** خلق جوامع مجازی یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن است. شارع این نظریه "دیوید جی ال کینز" است. وی بحث خود را در قالب ارتباطات و تکنولوژی‌های ارتباطی مطرح می‌کند. به زعم وی ارتباطات، بعد زمان و مکان را درباره قومیت‌ها و گروه‌ها حذف می‌کند.

بعنوان مثال باسکی‌ها در هر کجای دنیا که باشند می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و یک اجتماع مجازی تشکیل دهند. در این وضعیت، افراد بدون اینکه همدیگر را ببینند، عضو یک تشکل می‌شوند و این تشکل می‌تواند از حقوق آنها دفاع کند. در آینده همین تشکل‌های مجازی، دولت‌ها را به چالش خواهند کشید. این تشکل‌ها نه تنها به وسیله ارتباطات ایجاد می‌شوند بلکه به وسیله همین شبکه‌های ارتباطی، تقاضاهای خود را به دولت‌ها منتقل می‌کنند و آنها را تحت فشار قرار می‌دهند و حتی دور از ذهن نیست که جنگ‌ها از شکل سنتی به شکل الکترونیکی تبدیل شوند.

در کل می‌توان ادعا کرد جهان امروز، جهان مشارکت، رقابت و برتری دانش و سازماندهی عقلایی جوامع است.

بازار جهانی انرژی و تکنولوژی‌های نوین

پیشرفت‌ها و جهش‌های تکنولوژیکی می‌توانند تصویر بلند مدت عرضه و تقاضای جهانی انرژی را به صورت بسیار زیادی تغییر دهند. منابع انرژی تجدیدپذیر مانند بیوماس، انرژی خورشیدی، نیروی باد و انرژی اقیانوس‌ها می‌توانند مقادیر بسیار عظیمی انرژی در اختیار بشر قرار دهند. استفاده از هیدروژن در سلول‌های سوختی و یا سایر اشکال می‌تواند قسمت عمده نیازهای بشر را برآورده سازد.

توسعه تکنولوژی باعث کاهش هزینه عرضه نفت از منابع غیر متعارف می‌شود. با توجه به مقادیر عظیم منابع غیر متعارف کاهش بیشتر هزینه تولید، چشم اندازهای آبی عرضه جهانی

می‌شوند و اعتماد فزاینده‌ای به مقررات چند جانبه دولت‌ها ایجاد شده است.

● **اهمیت یافتن سرمایه انسانی:** مهمترین سرمایه در انقلاب دیجیتال، سرمایه فکری است.

مطالعات در مورد منشاء رشد اقتصادی نشان می‌دهد که سرمایه انسانی هر چه سریعتر انباشته شود و به گونه‌ای کارآمد در بخش‌های اصلی اقتصاد بکار گرفته شود، عملکرد رشد اقتصادی کشورها در مجموع بهتر خواهد بود.

● **گسترش روز افزون جریانات مالی:** که اثرات بسیاری بر سیاست‌های پولی و ارزشی اقتصادهای ملی بر جای می‌گذارد. این رویداد در جولای ۱۹۹۷ در تایلند و اثر آن بر تعدادی از کشورهای آسیایی از جمله مالزی مشاهده شد. همچنین در حال حاضر اثرات مشابه آن را می‌توان به صورت جریان‌هایی در روسیه، ترکیه، برزیل و آرژانتین مشاهده کرد.

● **افزایش روز افزون بهره‌وری:** فن‌آوری‌های جدید با گسترش دانش و کاهش هزینه‌های نقل و انتقال برای شرکت‌ها و اقتصاد، بهره‌وری و رشد را افزایش می‌دهند.

● **جهانی شدن و تغییر ساختار تولید:** اگر نگوییم تمام مراحل تولید یک محصول در زمان گذشته در یک کشور صورت می‌گرفت، باید پذیرفت که اکثر مراحل تولید در کشور مبدأ صورت می‌گرفت و کالاها تولیدی برای مصرف محلی و یا به منظور صادرات تولید می‌شدند. ولی امروز تولید کالاها به مفهوم قبلی دگرگون شده بطوری که ما شاهد تولید یک کالا در چندین مرحله مختلف و در چندین کشور مختلف هستیم.

● **تغییر مرکز ثقل:** در تک‌تک حلقه‌های زنجیره فعالیت اقتصادی در دنیای جهانی شده، مرکز ثقل از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان منتقل شده است.

● **همگرایی و همسان شدن نهادها و سازمان‌ها در کشورهای مختلف:** مثلاً جهانی شدن اقتصاد و به دنبال آن جهانی شدن تولیدات می‌طلبد که قوانین حاکم در کشورها تا

نفت را دگرگون خواهند کرد.

تحلیل گران برآورد می‌نمایند که حدود ۳۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیارد بشکه نفت از ذخایر Oil Sand کانادا قابل بازیافت می‌باشد. این حجم عظیم نفت می‌تواند تقاضای جهانی نفت در سطح فعلی را حداقل به مدت ۱۰ سال برآورده سازد. جهانی شدن بازارهای نفت، گاز، کالا، سرمایه و سایر بازارهای مالی باعث شده که نظم بازار جهانی حتی منزوی‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز را تحت تأثیر قرار دهد. آنها دیگر نمی‌توانند نیاز خود را به تکنولوژی اکتشاف و تولید نفت را که همواره در حال پیشرفت است، نادیده بگیرند. دسترسی به تأمین مالی بین‌المللی در مناطق حاشیه‌ای که هزینه بالایی دارند بسیار اساسی است. حتی کشورهای دارای ذخایر غنی خلیج فارس در مورد ریسک عقب افتادن در مسابقه تکنولوژی سخت نگران شده‌اند و همه آنها تا حدودی در مورد تأمین مالی طرح‌های خود با مشکل مواجه هستند.

اوپک و سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی از زمان پیدایش خود در سال ۱۹۹۵ بعنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین سازمان‌های بین‌المللی جهان مطرح بوده که با افزایش تعداد اعضای این سازمان و همچنین گسترش دامنه و پیچیدگی موضوعاتی که شامل آن می‌شود، احتمال تأثیرش بر بخش انرژی و نفت افزایش یافته است. قبلاً موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) عمده‌ترین موضوع تعرفه‌ها متمرکز شده بود. اما سازمان تجارت جهانی (WTO) نه تنها تعرفه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر مسایل دیگری نظیر تولید، سرمایه‌گذاری، مسایل زیست‌محیطی، مالیات و قیمت‌های انرژی نیز تمرکز دارد. هر روز این نکته بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد که سازمان تجارت جهانی، مکانی خواهد بود برای بحث در مورد موضوعات بسیار مهمی که می‌توانند بخش انرژی را هم تحت تأثیر قرار دهند (موضوعاتی مانند مالیات‌ها، یارانه‌های مصرف داخلی انرژی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و احتمالاً سیاست‌های تغییرات آب و هوا).

به هر حال عضویت در سازمان تجارت جهانی امتیازاتی از جمله فضای قابل پیش‌بینی و مطمئن تجاری و دسترسی به بازار حدود ۱۴۰ کشور جهان را دارد. یکی از اهداف کلیدی گات و سازمان

کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته به دلیل ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و عدم تجربه نهادینه شدن الگوهای تاریخی توسعه، نه تنها در ایجاد، تقویت یا تغییر قوانین سیستم اقتصاد جهانی نقش یا تأثیر ندارند، بلکه مدیریت مؤثری نیز بر مشارکت یا ادغام خود در این فرآیند ندارند

است)، در نتیجه هیدروکربورها از مذاکرات گات کنار گذاشته شدند. در مقابل، تجارت محصولات صنعتی دارای نقش محوری در این توافقات هستند که منعکس‌کننده نگرانی کشورهای درگیر در این گفت‌وگوها بوده است.

با این حال برخی کشورهای صادرکننده نفت شبیه مکزیک به گات پیوستند (سال ۱۹۸۶) و در این مذاکرات شرکت کردند. مکزیک در جریان مذاکرات برای پیوستن به گات، برخی موارد را در زمینه سیاست‌های صادرات نفت خام مد نظر قرار داد و به تصویب رسانید و با شرایط ویژه به گات پیوست (صیانت از ذخایر طبیعی). به علاوه، مکزیک نقش مهمی در مذاکرات در مورد سیاست‌های قیمت‌گذاری منابع طبیعی در دور اوروگوئه داشت و در نهایت این کشور موفق شد بر نتایج نهایی به سود خود تأثیرگذار باشد.

هر چند در توافقات گات مستقیماً به نفت اشاره نشده است، اما قوانین متعددی که بر بخش نفت اثر دارند، وضع شده‌اند (در ارتباط با عملکرد منابع طبیعی مخصوصاً محدودیت صادراتی، سوبسیدها و قوانین ضد دامپینگ) و بسیاری قوانین دیگر نیز در مذاکرات آتی سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار خواهند گرفت.

حقیقت این است که بیشتر کشورهای عضو اوپک، یا عضو سازمان تجارت جهانی هستند و یا در حال عضو شدن در این سازمان هستند (اندونزی ۱۹۵۰، نیجریه ۱۹۶۰، کویت ۱۹۶۵، ونزوئلا ۱۹۹۰، قطر و امارات متحده عربی ۱۹۹۶، عربستان و الجزایر در حال مذاکره) و اینک اوپک در تلاش است تا به عنوان عضو ناظر در این مذاکرات شرکت کند که این امر به این کشورها کمک خواهد کرد تا به منظور افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات، دیدگاه‌ها و منافع خود را هماهنگ سازند (شاید با ایجاد

تجارت جهانی، تحت الزام قانونی درآوردن تعرفه‌ها است که به موجب آن کشورهای عضو توافق کرده‌اند تعرفه‌ها را بیش از حد مشخصی افزایش ندهند که در بسیاری از موارد این مقدار صفر و یا نزدیک به صفر است. چندین کشور وارد کننده شامل آمریکا و ژاپن تصمیم گرفته‌اند که تعرفه‌های خود در مورد نفت خام را محدود نکنند. این مشارکت به آنها فرصت خواهد داد که در مورد کاهش عوارض گمرکی و همچنین کاهش موانع غیرتعرفه‌ای در مورد صادرات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمیایی خود به بازارهای عمده، به مذاکره بپردازند.

تولیدکنندگان عمده نفت برای مطرح کردن مخالفتشان با مالیات‌های بالای انرژی در کشورهای مصرف‌کننده، باید از چارچوب سازمان تجارت جهانی و تمامی امکانات و ظرفیت‌های آن استفاده کنند. یعنی تولیدکنندگان نفت با هر نوع مالیات‌بندی جدیدی که تفاوت بین نفت و سایر سوخت‌ها مانند زغال سنگ و یا گاز طبیعی را افزایش دهد، می‌توانند تحت عنوان تبعیض به چالش برخیزند.

از سوی دیگر با توجه به اینکه نفت، اصلی‌ترین منبع درآمد ارزی اکثر قریب با اتفاق کشورهای اوپک محسوب می‌شود و در آینده میان مدت نیز چنین خواهد بود، بنابراین پیوستن به سازمان‌های مختلف باید با در نظر گرفتن جایگاه نفت و امکان حداکثرسازی منافع این کشورها صورت پذیرد.

کشورهای عضو اوپک نمی‌توانند بر نتایج مذاکرات گات و سازمان تجارت جهانی تأثیر بگذارند، زیرا آنها در پی‌ریزی این معاهدات نقشی نداشتند (بیشتر آنها عضو نبودند و عقیده داشتند که وضعیت استراتژیک نفت برای مستثنا شدن از هر نوع قوانین تجاری چند جانبه کافی

فقط آن دسته از سیستم‌ها و طراحان استراتژی که قادرند اطلاعات مناسب را از سیل و جریان عظیم اطلاعات جدا کرده و به سرعت روی آن اقدام کنند، قادرند استراتژی‌های کارآمدی طراحی کنند

و غیره بر اهمیت و فوریت این مسأله افزوده و روند حرکت مذاکرات جهانی آن را سرعت بخشیده است.

یکی از چالش‌های عمده کشورهای صادرکننده نفت اثبات این نکته است که سیاست‌ها و معیارهای زیست محیطی، ابزارهای حفاظتی نیستند. هیچ شکمی وجود ندارد که ارتباط بین تجارت و محیط زیست، مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین چالشی است که سیستم تجارت چند جانبه با آن مواجه است. با وجود اجماع در مورد حفاظت از محیط زیست، به خوبی آشکار است که معیارهای زیست محیطی، توسط حمایت‌گرایان افراطی به کار می‌رود که باعث بروز اثرات زیان‌باری برای کشورهای در حال توسعه بالاخص کشورهای صادرکننده نفت (و در کل صادرکنندگان سوخت‌های فسیلی) است. در این زمینه، کشورهای صادرکننده نفت، با

موضوع معیارهای زیست محیطی در هر دو سطح ملی و بین‌المللی مواجه هستند. احتمالاً جدی‌ترین شاخص زیست محیطی برای کشورهای صادرکننده نفت توسط FCCC (کنوانسیون سازمان ملل در مورد تغییر اقلیم) وضع شده است.

بدون شک درجه آسیب‌پذیری کشورهای صادرکننده خالص سوخت‌های فسیلی در ارتباط با اثرات اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست محیطی بر بازار نفت با یکدیگر متفاوت است. اما تردیدی نیست که اثرات آن بر تقاضا برای نفت به جهت آسیب‌پذیری کشورهای صادرکننده و نیز چگونگی میزان سرمایه‌گذاری این کشورها در این زمینه، باید همواره توسط کشورهای صادرکننده، مورد بررسی و مذاکره قرار گیرد تا برنامه‌های آتی این کشورها دچار اختلال نشود.

نتیجه‌گیری

امروزه جهانی شدن به ویژه در بعد اقتصادی آن به سرعت در حال تکامل است و این فرآیند موجب می‌شود تا بازاری که بدون محدودیت است به یک نیروی مقاومت‌ناپذیر و خردکننده جهانی تبدیل شود که مرزها را در می‌نوردد، قدرت دولت‌های ملی برای تنظیم اقتصاد و اخذ مالیات را تضعیف می‌کند، شکاف طبقاتی را بین کشورها و درون کشورها افزایش می‌دهد، به محیط زیست صدمه می‌زند و اجازه نمی‌دهد که ملت‌ها سرنوشت اقتصادی خود را تعیین کنند و به یک اقتصاد جهانی منجر می‌شود.

خودی خود سدی در مقابل تجارت بین‌المللی نفت خام نبوده است.

کشورهای صادرکننده توجه خود را به حذف این مالیات‌ها به عنوان یک حربه برای کنترل مصرف و آسیب رساندن به توانایی این کشورها برای کسب درآمد از منابع طبیعی خود معطوف کرده‌اند.

البته شایان توجه است تا زمانی که این مالیات‌ها به شکل غیر تبعیض‌آمیز بر تولیدات داخلی کشورهای مصرف‌کننده و فرآورده‌های وارداتی به کار برده می‌شوند، هیچ مغایرتی با قوانین گات ندارند، البته این به آن معنی نیست که این موارد قابل مذاکره نباشند. عنصر کلیدی این است که هر دو مورد مالیات و صیانت از منابع طبیعی می‌تواند تحت عنوان مسأله حاکمیت ملی طبقه‌بندی شوند.

اثر اجرای کنوانسیون‌های زیست محیطی

تأثیر محیط زیست بر تجارت بین‌الملل بر سرعت جای خود را در سطوح بین‌المللی باز کرده و از این رو بخش انرژی نیز از این پدیده مصون نخواهد ماند. یکی از ملاحظات مهم زیست محیطی مسأله تهدید رو به رشد گرم شدن زمین است که مستقیماً به استفاده از سوخت‌های فسیلی مخصوصاً بهره‌برداری از نفت و زغال‌سنگ ارتباط دارد.

بحث آلودگی محیط زیست در دهه ۱۹۸۰ بیش از دهه‌های گذشته به علت گستردگی میزان آلودگی در اثر رشد بی وقفه فرآیند صنعتی شدن مطرح و دامنه این موضوع از محدوده جغرافیایی خارج و به پدیده‌ای جهانی مبدل شد. در اینجا همه به این گفته "ساگان" ایمان آوردند که "مولکول‌های دی اکسیدکربن همانند پرتوهای خطرناک، برای گذر از کشوری به کشور دیگر نیاز به اخذ روادید ندارند." علایم و آثاری چون افزایش دمای زمین و بالا آمدن سطح آب دریاها

گروه‌ها و ائتلافات در سازمان تجارت جهانی). در مورد دوره‌های مذاکرات آتی، کشورهای عضو اوپک فرصت دارند تا به صورت فعال شرکت کنند. با این وجود نیل به توافق، یک فرآیند مشکل است. امروزه، این کشورها هزینه دورماندن از مذاکرات ۵۰ ساله سیستم گات و سازمان تجارت جهانی را می‌پردازند.

اعضای جدید، هزینه‌های بالاتری را پرداخت می‌کنند. در حال حاضر فرآیند الحاق نیازمند تغییرات اقتصادی، سیاسی و قانونی عمیق‌تری نسبت به گذشته است.

با توجه به توسعه گستره قوانین و توافقات سازمان تجارت جهانی به موارد جدید، منطقی است که اعتقاد داشته باشیم چارچوب قانونی آن، به منظور اثر گذاشتن بر روابط بین‌المللی اقتصادی بین اعضا و کشورهای غیرعضو، امکان گسترش دارد.

با توجه به این که کشورهای غیرعضو اوپک جزو کشورهای در حال توسعه بوده و اقتصاد آنها متکی بر ذخایر طبیعی است، اثرات WTO بر این کشورها بر حق حاکمیت بر ذخایر طبیعی و مزیت‌های نسبی آنها متمرکز است. این کشورها، ممکن است در استفاده از مزایایی نسبی ذخایر طبیعی خود به منظور توسعه با محدودیت‌هایی مواجه باشند و باید با این حقیقت روبه‌رو شوند که سیاست‌های سنتی آنها احتمالاً باید مورد بازبینی قرار گرفته و با سیستم جدید سازگار شود. در زمینه مذاکرات آتی مسایلی وجود دارند که کشورهای عضو اوپک باید برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود، دیدگاه‌ها و منافع خود را در مورد آنها هماهنگ سازند. این مسایل عبارتند از: توجه به مواردی که باعث اعوجاج در تجارت نفت می‌شود (مانند مالیات بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی و مسایل زیست محیطی در کشورهای مصرف‌کننده) و همچنین توجه به این نکته که تاکنون مالیات بر مصرف نفت خام و فرآورده‌های نفتی و سیاست‌های تجاری، به

یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سازمان اوپک باید آموزش و جذب نیروی انسانی متخصص و نخبه باشد زیرا در دنیای جهانی شده امروز، سرمایه انسانی بالاترین و با ارزش‌ترین سرمایه مورد نیاز بازیگران عرصه بین‌المللی است

ادغام در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد و پذیرش الزامات آن هستند. ادغام مؤثر در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد و توسعه اقتصادی، در روی یک سکه است و در این زمینه بهترین راه، پیوند تدریجی برنامه‌ریزی شده و سازنده است که به‌طور عینی در جذب بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و ارتقای منزلت در تجارت جهانی تبلور می‌یابد.

آینده کشورهای اوپک فقط و فقط به مذاکرات و روابط تجاری با کشورهای ثروتمند بستگی ندارد. گشایش بازارهای کشورهای صنعتی به روی محصولات کشورهای در حال توسعه، همراه با کاهش نرخ موانع گمرکی، شرط لازم برای شکوفایی کشورهای در حال توسعه است، اما شرط کافی نیست. اگر این کشورها قادر نباشند محصولاتی با کیفیت و با قیمت مناسب ارائه کنند، حذف موانع گمرکی در ورودی کشورهای پیشرفته به هیچ کاری نمی‌آید. بنابراین ضروری است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این کشورها افزایش یابد. بخش خصوصی داخلی تقویت شود و مدیریت اقتصادی در این کشورها بهبود یابد. این مسیری پیچیده است که باید طی شود. سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث رشد اقتصادی نمی‌شود بلکه به دنبال رشد اقتصادی، سرمایه‌های خارجی از راه می‌رسند.

مطمئناً در آستانه قرن ۲۱، صنعت نفت نسبت به گذشته رقابتی‌تر است. در ۲۰ سال گذشته رقابت در این صنعت افزایش یافته و احتمالاً در سال‌های آیند این صنعت به‌طور فزاینده‌ای رقابتی خواهد شد. هم‌اکنون بازارهای انرژی بسیار گسترده‌اند و برای هر بازیگری به صورت بالقوه این امکان وجود دارد که در هر بخش از این زنجیره رقابتی فعالیت کند. در این حال، مقررات‌زدایی و حذف کنترل‌ها در سطح جهانی بر ارتقای فضای رقابتی تمرکز یافته و برای حفظ انگیزه رقابتی در تمامی بازارها، تلاش می‌شود.

سهام و در نتیجه کاهش هزینه (با حذف هزینه موازی به خصوص هزینه‌های بالا سوری دفاتر مرکزی) فرصت افزایش سود را به شرکت‌ها اعطا کرد. این شرکت‌ها از توسعه فن‌آوری اطلاعات و کارایی هزینه، بهره‌مند شدند. این مساله فرصت فعالیت کارای شرکت‌های بزرگ و تشریک اطلاعات مفید مدیریتی با هزینه‌ای کم را ایجاد کرد.

سازمان اوپک یکی از با سابقه‌ترین سازمان‌های بین‌المللی تشکیل شده در کشورهای در حال توسعه است که پس از گذشت بیش از ۴۰ سال هنوز هم به فعالیت خود ادامه می‌دهد و در تاریخچه اقدامات خود ثابت کرده است که هرگاه عزم سیاسی کشورهای عضو تقویت شده، توانسته نقش خود را به خوبی در بازار نفت ایفا کند.

امروزه جهانی‌شدن به ویژه در بعد اقتصادی آن به سرعت در حال تکامل است. این فرآیند با توجه به گستردگی و پیچیدگی ماهوی آن، الزامات بسیاری را به کشورها وارد ساخته است. کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، به ناچار مجبور به پذیرش الزامات آن و مشارکت در این فرآیند هستند.

کشورهای توسعه یافته به دلیل توانمندی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و قرار داشتن در بطن اقتصاد جهانی، از توانایی نفوذ بر قوانین اقتصاد جهانی و همچنین کنترل فرآیند ادغام خود در این عرصه برخوردار هستند. اما کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته، مشارکتی ناچیز در این فرآیند دارند. این جوامع به دلیل ضعف زیر ساخت‌های اقتصادی و عدم تجربه نهادینه شدن الگوهای تاریخی توسعه، نه تنها در ایجاد، تقویت یا تغییر قوانین سیستم اقتصاد جهانی نقش یا تأثیر ندارند، بلکه مدیریت مؤثری نیز بر مشارکت یا ادغام خود در این فرآیند ندارند.

با این حال کشورهای در حال توسعه ملزم به

طی سال‌های اخیر، کشورهای عضو اوپک، واکنش محدودی در برابر جهانی‌شدن سریع و گسترده تجاری - فنی از خود نشان داده‌اند. اگر بازار به توسعه خود ادامه دهد، تقاضای زیادی برای نفت و گاز اوپک ایجاد خواهد شد و این احتمال وجود دارد که بازارهای جهانی به نفع اوپک عمل کنند به ویژه اگر در بلندمدت، کشورهای عضو اوپک درهای خود را بر روی سرمایه و تجارت بین‌المللی بگشایند.

تلاش برای کاهش جریان نفت، در چارچوب سیاست‌های مالی زیست‌محیطی و انرژی رخ نموده است و تجارت فرآورده‌های نفتی در کشورهای عمده مصرف‌کننده با وضع مالیات‌های سنگین روبرو هستند.

پیشرفت‌ها و جهت‌گیری‌های تکنولوژی می‌توانند تصویر بلند مدت عرضه و تقاضای جهانی انرژی را به صورت بسیار زیادی تغییر دهند.

توسعه تکنولوژی باعث کاهش هزینه عرضه نفت از منابع غیرمعارف می‌شود. با توجه به مقادیر عظیم منابع غیرمعارف و بالاخص وجود قسمت عمده آن در کشورهای توسعه یافته شمال، کاهش بیشتر هزینه تولید، چشم‌اندازهای آتی عرضه جهانی نفت را دگرگون خواهند کرد.

جهانی‌شدن بازارهای نفت، گاز، کالای و سرمایه باعث شده که نظم بازار جهانی، حتی منزوی‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز را تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال که آینده کوتاه مدت تولید نفت و گاز بسیار عالی به نظر می‌رسد اما چشم‌اندازهای بلند مدت آن به ارزیابی محتاطانه‌ای نیاز دارد. بررسی تاریخ عملکرد اوپک، یکی از جدی‌ترین نقایص این سازمان را نشان می‌دهد که عبارت است از تلاش همیشگی اوپک برای حل مسایل کوتاه مدت و روزمره.

تولیدکنندگان اوپک بایستی در خصوص قوانین تبعیض‌آمیز بر علیه نفت خام و فرآورده‌های نفتی، در کشورهای توسعه یافته در چارچوب WTO به صورت هماهنگ عمل کنند، با حذف مالیات‌های تبعیض‌آمیز، اوپک دیگر مجبور به مدیریت بازار نخواهد بود و کشورهای مصرف‌کننده مجاز نخواهند بود که بر نفت مالیات داخلی اعمال کنند و از این طریق سهم عمده قیمت‌های نفت را نصیب خود سازند.

ساختار صنعت بین‌المللی نفت نسبت به اواخر دهه ۱۹۷۰ و قبل از آن تغییرات زیادی را تجربه کرده که مهم‌ترین آن، روند ادغام‌ها و تملک‌های گسترده است. ادغام‌ها و خریدهای

تکنولوژی جدید، روشی را که شرکت‌های نفتی به خرید و فروش کالاها و یا خدمات می‌پردازند تغییر می‌دهند. این تغییر در تمام زنجیره عرضه از سکوی تولید نفت تا جایگاه‌های خرده فروشی را در بر می‌گیرد. خرید الکترونیکی، تجارت بزرگی به شمار می‌آید و انتظار می‌رود که هزینه‌های خرید شرکت‌های منعم نفتی را ۱۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهد. اطلاعات موجود در اینترنت در مورد عرضه‌کنندگان این امکان را به خریداران داده است که کارایی عملیات خرید را افزایش و هزینه‌های خود را کاهش دهند. ظهور شرکت‌های مختلفی که اطلاعات مربوط به عرضه‌کنندگان صنعت را در اختیار دارند و عرضه‌کننده‌های مورد نیاز، هزینه‌های صنعت را بیشتر کاهش خواهد داد. عرضه‌کنندگان نیز از تکنولوژی جدید سود خواهند برد زیرا ارتباطات نزدیک‌تر با مشتریان به آنها اجازه می‌دهد که عملیات عرضه کالای خود را در مقادیر و زمان مناسب، بهینه و کارتر سازند.

تحولات تکنولوژیکی، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی، دنیای جهانی شده "جدیدی را به وجود آورده‌اند که انتقال آزاد و بی حد و حصر دانش و اطلاعات از جمله ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. احتمالاً می‌توان صنعت نفت را به عنوان صنعتی که از یک قرن گذشته جهانی شده، معرفی کرد. این صنعت اینک جزء لاینفک دنیای جهانی شده جدید است.

بیشترین تعاریفی که از "اقتصاد نوین" ارایه می‌شود بر TMT (تکنولوژی، رسانه‌ها و ارتباطات راه دور) تأکید کرده و شامل نفت نمی‌شود. با این حال صنعت نفت یکی از پیشرفته‌ترین استفاده‌کنندگان از فن‌آوری (از کاربردهای مستقیم تکنولوژی مانند لرزه‌نگاری سه بعدی و چهار بعدی و سیستم‌های کنترل تولید تا استفاده روزمره از فن‌آوری اطلاعات در سیستم‌های اطلاعات مدیریتی و ویدئوکنفرانس‌ها) است. در نتیجه صنعت نفت جزء لاینفک و پویا از اقتصاد جهانی جدید محسوب می‌شود.

جهانی شدن اقتصاد باعث می‌شود تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان یکدیگر را بهتر درک کرده و منافع خود را در بازار بین‌المللی نفت سهم‌بندی کنند. در این صورت گفتمان سازنده بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عادی می‌شود زیرا بحث وابستگی متقابل پذیرفته شده است.

در شرایطی که اکثر کشورهای عضو اوپک به عضویت سازمان تجارت جهانی نیز درآمده‌اند و یا در حال عضویت هستند، باید این کشورها، از تجربیات گذشته استفاده کرده و با ایجاد ائتلافات و گروه‌هایی در درون این سازمان، قدرت چانه‌زنی و تأثیر و وزن خود را افزایش دهند، همانند گروه ۷۷ که در دل سازمان ملل توسط کشورهای در حال توسعه جنوب شکل گرفت و نقش غیرقابل انکاری در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های سازمان ملل دارد، کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و در کل کشورهای در حال توسعه می‌توانند براساس اصل هر کشور یک رأی با یکدیگر در قالب WTO ائتلاف کرده و قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهند و در نتیجه خواهند توانست در این راستا قوانین تبعیض‌آمیز را مثلاً به علیه انرژی تغییر دهند و بازارهای کشورهای پیشرفته را بر روی نفت و فرآورده‌های نفتی خود بدون اخذ مالیات باز کنند.

چالش جدید اعضای اوپک این است که بیاموزند از امتیاز قوانین تجارت آزاد در چارچوب سازمان تجارت جهانی استفاده کنند. اگر همه بازیگران به جای اینکه هر کدام منافع محدود ملی خود را دنبال کنند، در یک مجمع جهانی جمع شوند، به نظر می‌رسد مشکلات به نحو بهتری حل و فصل شوند و اگر چنین امری اتفاق افتد، حداقل بعضی از کشورهای هر دو طرف ممکن است بتوانند با یکدیگر به توافق دست یابند. هر چند ممکن است این کار مشکل باشد، به ویژه برای اعضای اوپک که اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند.

کشورهای عضو اوپک بایستی در کنار سایر کشورهای در حال توسعه در روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مهم در رابطه با مسایل و مشکلات جهانی زیست‌محیطی حضوری فعال و استراتژیک داشته باشند تا در قالب نشست‌های زیست‌محیطی منافع جمعی خود را لحاظ کنند.

کشورهای عضو اوپک باید بدون از دست دادن بیشتر زمان، مساله جذب و توسعه تکنولوژی را مد نظر قرار داده و عقب ماندن از قافله تکنولوژی را به عنوان مهم‌ترین چالش فراوری خود بنگرند و بدانند که عصر حجر به خاطر تمام شدن سنگ خاتمه نیافت بلکه ظهور ابزارهای برنزی که به نحوه مطلوب‌تری خواسته‌های مردم را تأمین می‌کردند و پیروزی این ابزار در رقابت با ابزار سنگی، به این دوره

پایان داد.

یکی از چالش‌های بزرگ پیش روی کشورهای عضو اوپک، مساله نیروی انسانی متخصص و با تجربه است. متأسفانه این کشورها به دلیل ماهیت جهان سومی خویش تاکنون نتوانسته‌اند نیروی انسانی مورد نیاز خود را آموزش دهند و حتی در موارد نادری که چنین امکانی فراهم شده است، نیروهای آموزش دیده خود را پس از کسب تجربه، به دلیل ساختار بسیار مریض و نارسای اداری، به کشورهای رقیب تقدیم کرده و خود از فقدان و یا کمبود نیروی انسانی متخصص به شدت رنج برده‌اند. یکی از مهمترین برنامه‌های سازمان کشورهای صادرکننده نفت، باید آموزش و جذب نیروی انسانی متخصص و نخبه باشد زیرا در دنیای جهانی شده امروز، سرمایه انسانی بالاترین و با ارزش‌ترین سرمایه مورد نیاز بازیگران عرصه بین‌المللی است.

در عصر اطلاعات، مزیت نسبی و رقابت‌آمیزی متکی بر قوانین سبیرنتیک است نه قوانین فیزیک و تحت قوانین سبیرنتیک، سرعت مبتنی همه چیز است. باز بودن، انعطاف‌پذیری و سرعت دریافت و اقدام جزو اصول موفقیت در شرایط جدید هستند. فقط آن دسته از سیستم‌ها و طراحان استراتژی که قادرند اطلاعات مناسب را از سیل و جریان عظیم اطلاعات جدا کرده و به سرعت روی آن اقدام کنند، قادرند استراتژی‌های کارآمدی طراحی کنند.

پی‌نوشت: